

### متن پرسش

سلام علیکم. ضمن تبریک ایام و اعیاد شعبانیه و به امید اینکه در این ماه های عزیز ما را هم از دعای خیر فراموش نفرمایید. چند سوال پیرامون سلوک خدمتان عرضه می گردد ۱- اگر مدیریت اشراقی را معتقد باشیم آیا جای تلاش و جهاد کمرنگ نمی شود؟ اصولاً مرز استفاده اشراقات با برنامه ریزیهای کلان و خرد در زندگی فردی و اجتماعی چیست؟ مثلاً ما برای اینکه یک مشکلی را حل کنیم باید کلی برنامه ریزی کنیم اما اگر بخواهیم بر اساس اینکه به موقع اشراق حل آن مساله از طرف عالم ملکوت به ما خواهد رسید دیگر باید دست روی دست گذاشت و منتظر ماند؟ می دانم که به این افتضاحی که من نوشتم نباید بود ولی خواستم مرز دریافت اشراق را با تلاش و برنامه ریزی مشخص کنید خصوصاً وقتی که می بینیم مقام معظم رهبری از این شیوه استفاده می کنند که برنامه ۴۰ ساله و ۲۰ساله و ۵ ساله می ریزند و حتی برای ابعاد فرهنگی هم قدم به قدم راهبرد و برنامه کلان و خرد تعریف می کنند. اگر فضای اشراقی بخواهد حاکم باشد چگونه با این برنامه ریزیها باید هماهنگ شد؟ اگر برنامه خلاف اشراق بود چه باید کرد؟ ۲- به نظر شما جهت کارهای جمعی که نیاز به کارهای تفکری و برنامه ریزی و هماهنگی افراد با هم وجود دارد چه جایگاهی برای مباحث اشراق باقی می ماند؟ آیا می توان گفت همانطور که به فرد اشراق می شود به جمع هم اشراق می شود؟ ۳- فرق امام با سایر علمای بسیار بزرگ مثل علامه و ایت الله بهجت و آقای قاضی و .. چیست؟ چرا آنها تحت اشراق الهی جهت هدایت اجتماع قرار نگرفتند؟ اصولاً سلوک مثل آقای قاضی سلوک کاملی بوده است در حالی که به اجتماع توجه لازم نداشته است؟ ۴- آیا در سلوک فردی و اخلاقی هم باید فقط به امام رجوع کرد یا در ذیل امام به سایر شخصیتهای اخلاقی می توانیم رجوع کنیم؟ اگر جواب فرض دوم باشد این سوال پیش می آید که جمع بین شخص دیگر با امام در دستورات چگونه باید باشد؟ ۵- آیا رجوع اصلی به امام علاوه بر گرفتن مبانی فکری ایشان از کتب و دستگاه فکری ایشان، باید با ارتباط روحی و قلبی با امام جهت اشراق مطابق مقتضیات زمان هم باشد؟ در این صورت راه ارتباط روحی چگونه است؟ آیا باید مثل رجوع روحی به ائمه با امام خمینی هم به صورت توسل مرتبط شد یا به صورت توجه به ملکوت ایشان ارتباط برقرار می شود؟.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- مدیریت اشراقی به این معنا است که اولاً: انسان جوانب موضوعی را که می خواهد دنبال کند به خوبی بشناسد و در انجام وظیفه ای که تشخیص می دهد کوتاهی نکند ولی

منتظر هدایت‌های خاص الهی نیز باشد. مثل آن‌که حضرت امام «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» در مورد انقلاب انجام دادند و یا مقام معظم رهبری بر اعتماد به امداد الهی تأکید دارند، پس کار از طرف ما باید ادامه یابد ولی از انوار الهی غفلت نکنیم. گله‌ای که رهبری به سخنان نامزدهای ریاست جمهوری داشتند همین بود که گویا جایی برای امدادهای الهی نمی‌شناسند و برای جهان بدون خدا برنامه‌ریزی کرده‌اند.

۲- آری اگر جمع در سلامت روحی و قلبی باشد حتماً با انوار الهی منور می‌شود و جلو می‌رود ۳-

هرکدام از آن عزیزان مطابق دغدغه‌ای که در زمان خود باید داشته باشند منور به اشراق خاص خود می‌شدند ۴- به نظرم در ذیل کلیت شخصیت اشراقی حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» می‌توان در امور فردی به سایر علماء اخلاق رجوع کرد و مشکل پیش نمی‌آید ۵- ارتباط روحی با حضرت امام از طریق رهنمودها و عمل به آن‌ها و تفکر در کتاب‌هایشان خود به خود روح را از شخصیت ایشان متأثر می‌کند و یک نحوه هماهنگی با ملکوت ایشان ایجاد می‌کند. موفق باشید